

نقش نهاد خانواده در حفظ زبان‌ها

مطالعه موردی زبان آذربایجانی در تبریز^۱

سید هادی میرواحدی^۲

دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۲

چکیده

امروزه کاهش تنوع زبانی و فرهنگی به یکی از مسائل مهم و قابل تأمل در حوزه‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی تبدیل شده است. برآوردها نشان می‌دهد نیمی از ۶۰۰۰-۷۰۰۰ زبان موجود در دنیا تا آخر این قرن یا به‌کلی از بین خواهند رفت و یا در معرض خطر قرار خواهند گرفت. این کاهش اغلب به‌واسطه تغییر تدریجی زبانی رخ می‌دهد که در آن جوامع زبانی یک یا چند زبان دیگر را به قیمت از دست دادن زبان اول (مادری) خود می‌آموزند. بر همین اساس، با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و یک مصاحبه گروهی با مادران دارای فرزند زیر ده سال، این تحقیق به بررسی نقش خانواده و تأثیرپذیری آن از محیط زبانی در حفظ زبان آذربایجانی و انتقال آن به نسل‌های بعدی در تبریز می‌پردازد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد به‌رغم اینکه پدران و مادران و فرزندان نشان نقش بسزایی در حفظ زبان‌ها ایفا می‌کنند، نگرش و تصمیمات و رفتار زبانی خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل محیطی خارج از خانه قرار دارند. بنابراین، برای حفظ هرچه بهتر یک زبان، باید علاوه بر استفاده روزمره از آن در خانه، محیط زبانی مطلوبی برای تحکیم، تقویت و ترویج نگرش‌ها و رفتارهای مثبت نسبت به آن زبان وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تغییر زبان، حفظ زبان، زبان آذربایجانی، تبریز.

۱. برگرفته از پایان‌نامه دکتری ارائه شده به گروه زبان‌شناسی و مطالعات زبانی دانشگاه ویکتوریای ولینگتون،

نیوزیلند.

۱- مقدمه

کاهش تنوع زبانی و فرهنگی پدیده‌ای فراگیر و مبتلابه در سراسر جهان امروزی است. گفته می‌شود می‌توان تقریباً از ۶۰۰۰-۷۰۰۰ زبان موجود، ۳۰۰۰ زبان را در گروه زبان‌های در معرض خطر طبقه‌بندی کرد (وُرم^۱، ۲۰۰۱). کراس^۲ (۱۹۹۲) دو دهه قبل با ابراز نگرانی از کاهش تنوع زبانی در جهان پیش‌بینی کرد اکثر زبان‌های دنیا در طولانی‌مدت از بین خواهند رفت. اگرچه پیش‌بینی کراس مبنی بر زنده و سالم ماندن فقط ۱۰ درصد از زبان‌ها اخیراً مورد انتقاد قرار گرفته است (سایمونز^۳ و لوویس^۴، ۲۰۱۱)، تحقیقات نشان می‌دهد تنوع زبانی و فرهنگی در عرض ۳۵ سال- بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۵ میلادی به میزان ۲۰ درصد کاهش یافته است (هارمون^۵ و لوح^۶، ۲۰۱۰). برای مثال، نتل^۷ و رومین^۸ (۲۰۰۰) نشان می‌دهند از ۳۰۰ زبان زنده در آمریکا در زمان کشف قاره آمریکا توسط کریستف کولومب^۹ در سال ۱۴۹۲ میلادی، حدود ۱۵۰ زبان باقی مانده است. استرالیا نیز سالیانه شاهد مرگ یک یا دو زبان بومی خود است، به طوری که گفته می‌شود اگر اقدام مفید و مؤثری برای حفظ زبان^{۱۰} های بومی استرالیا صورت نگیرد، همه آنها از بین خواهند رفت (مک‌کی^{۱۱}، ۲۰۰۷). مطالعات و تحقیقات در چین (بردلی^{۱۲}، ۲۰۰۵)، پاکستان (رحمان، ۲۰۰۳)، و افریقا (باتیبو^{۱۳}، ۲۰۰۵) نیز حاکی از از بین رفتن زبان‌های قوم‌ها، قبایل، و مناطق کوچک در آن کشورهاست.

ایران نیز، به‌عنوان کشوری چندزبانه و چندفرهنگی، از این امر مستثنی نبوده و در طول تاریخ خود شاهد ازدست‌دادن گونه‌های مختلف زبانی، همچون اوستایی، فارسی میانه، پهلوی، پارتی و سغدی بوده است (موزلی^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ خانلری، ۱۳۴۸). یافته‌های مطالعات اخیر بر روی زبان‌های رایج در ایران نیز نشان می‌دهد اگرچه پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و بر روی کار آمدن جمهوری اسلامی اقلیت‌های قومی و زبانی، نسبت به گذشته، از امکانات و شرایط بهتری، مانند شبکه‌های استانی، برخوردار شده‌اند، لیکن این اقلیت‌ها در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه خواندن و نوشتن به زبان مادری، دچار مشکلات فراوانی هستند (حسن‌پور، شیخ‌الاسلامی، و اسکوت‌ناب-

1. S. A. Wurm
2. M. Krauss
3. G. F. Simons
4. M. P. Lewis
5. D. Harmon
6. J. Loh
7. D. Nettle

8. S. Romaine
9. Christopher Columbus
10. language maintenance
11. G. McKay
12. D. Bradley
13. H. M. Batibo
14. C. Moseley

کانگاس^۱، ۲۰۱۲؛ هولمز^۲، ۲۰۱۳؛ نوری، ۱۳۹۳). برهمین اساس، تحقیق حاضر قصد دارد دریابد نهاد خانواده چه نقشی در حفظ زبان آذربایجانی و انتقال آن به نسل‌های بعدی در تبریز دارد و چگونه ممکن است این نقش تحت تأثیر محیط خارج از خانه قرار گیرد و نتیجه عکس بر حفظ زبان بگذارد.

۲- نقش خانواده در حفظ زبان

تحقیقات بر روی زبان‌های در معرض خطر دلایل بسیاری برای ازبین‌رفتن زبان‌ها همچون بلایای طبیعی، قحطی و خشکسالی، جنگ و کشتار جمعی، مهاجرت، و ... ذکر کرده‌اند؛ اما امروزه شایع‌ترین دلیل برای مرگ زبان‌ها، تغییر تدریجی زبان‌ها^۳ است (دورین^۴، ۱۹۸۰؛ گرونبل^۵، ۲۰۱۱؛ سالابانک^۶، ۲۰۱۲)؛ بدین معنی که جامعه‌ای به‌طور تدریجی زبان دیگری را در طول چندین نسل جایگزین زبان اول (زبان مادری) خود می‌کند که منجر به کاهش تعداد سخنگویان به آن زبان، کاهش غنای زبانی و توانایی زبانی افراد، و کاهش کاربرد آن زبان در نهادها و حوزه‌های مختلف می‌شود. گفته می‌شود چنین فرایندی، درنهایت، منجر به مرگ زبان‌ها می‌شود (بیکر^۷، ۲۰۰۱: ۵۹).

نقش کلیدی اعضای خانواده، یعنی پدر، مادر و فرزندان (و در خانواده‌های بزرگتر، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها)، در فرایند حفظ یا تغییر زبان‌ها^۸ بر کسی پوشیده نیست (فیشرمن^۹، ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱؛ فاف^{۱۰}، ۱۹۹۰؛ کوپین^{۱۱}، ۲۰۰۳؛ اسپالسکی^{۱۲}، ۲۰۱۱). سیاست‌گذاری‌های زبانی خانواده^{۱۳}، یعنی «برنامه‌ریزی واضح و آشکار در رابطه با کاربرد زبان میان اعضای خانواده در خانه» (کینگ^{۱۴}، فوگل^{۱۵}، و لوگان-تری^{۱۶}، ۲۰۰۸: ۹۰۷)، حوزه مطالعاتی جدید و مهمی در تحقیقات بر روی مسأله حفظ زبان‌ها به‌شمار می‌رود. از آنجا که پایه و اساس حفظ زبان، یعنی

1. T. Skutnabb-Kangas
2. J. Holmes
3. Language shift
4. N. Dorian
5. L. A. Grenoble
6. J. Sallabank
7. C. Baker
8. language shift

9. J. Fishman
10. C. W. Pfaff
11. R. M. Queen
12. B. Spolsky
13. Family language policy
14. K. A. King
15. L. Fogle
16. T. Logan-Terry

انتقال زبان، ارزش‌ها و فرهنگ به نسل بعدی، در نهاد خانواده بنا گذاشته می‌شود، خانه و خانواده مهم‌ترین حوزه در حفظ زبان‌ها به‌شمار می‌رود.

مطالعه و تحقیق بر روی ایدئولوژی، نگرش‌ها و رفتارهای زبانی اعضای خانواده در درون خانواده می‌تواند نه‌تنها علائم اولیه تغییر زبانی را نشان دهد، بلکه می‌تواند ماهیت چنین تغییری را نیز روشن سازد (لتشولو^۱، ۲۰۰۹؛ فاف، ۱۹۹۰؛ اسپالسکی، ۲۰۱۱). به‌عبارتی دیگر، می‌توان با توجه به سن جوان‌ترین سخنگویان به یک زبان و نیز نبود بچه‌هایی که به آن زبان سخن می‌گویند، وضعیت کنونی یک زبان را به‌لحاظ در معرض خطر بودن سنجید. وجود شواهدی مبنی بر توقف انتقال زبان بین نسل‌ها می‌تواند پیش‌بینی‌کننده این حقیقت باشد که آن گونه زبانی به‌زودی از بین خواهد رفت (اسپالسکی، ۲۰۱۱). بر همین اساس، محققان بر این باورند که تصمیم‌گیری‌های مطلوب و مثبت در خانواده‌ها نسبت به یک یا چند زبان می‌تواند تعیین‌کننده و احتمالاً تضمین‌کننده زنده‌ماندن آنها در یک جامعه باشد. نگرش مثبت نسبت به یک زبان، عاملی مؤثر در حفظ آن گونه خواهد بود. در مقابل، نگرش منفی می‌تواند علت اولیه توقف انتقال زبان به نسل بعدی باشد (بیکر، ۲۰۰۶). به‌عبارتی دیگر، انتقال زبان به نسل‌های بعدی در درون خانواده به‌عنوان معیار طلایی و عامل اصلی زنده بودن زبان‌ها تلقی می‌شود (سالابانک، ۲۰۱۲: ۱۰۶).

بررسی و مطالعه نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و رفتارهای زبانی خانواده‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا که خانه محلی است که در آن نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها و رفتارهای زبانی در آن هم شکل می‌گیرند و هم به‌اجرا درمی‌آیند؛ و در همین نهاد خانواده است که ایدئولوژی‌های غالب در جامعه با نظرات شخصی و محلی افراد درباره زبان‌ها و نحوه رفتار پدر و مادر با فرزندان برخورد و رقابت می‌کنند (کینگ و همکاران، ۲۰۰۸: ۹۰۷). کلوت^۲ (۱۹۹۸) خانه را همچون میدان نبردی می‌بیند که در آن ایدئولوژی‌ها برای جلب توجه اعضاء باهم به رقابت می‌پردازند. کلوت همچنین نشان می‌دهد خانواده، چندزبانگی و برخورد زبانی موجود در محیط خارج از خانه را هم ثبت و هم منعکس می‌کند. بر همین اساس، رفتار و نگرش اعضای خانواده به «فشارسنج اجتماعی کوچکی» تشبیه شده است که به فشارهای خارج از خانه حساس است

1. L. Letsholo
2. L. Calvet

هریسون^۱، ۲۰۰۷: ۸). محققان بر این باورند که مطالعه تغییرات این فشارسنج می‌تواند میزان تأثیرپذیری سیاست‌گذاری‌های زبانی خانواده‌ها را از فشارهای خارجی، و نیز تأیید یا رد آن فشارها از سوی خانواده‌ها را در درون خانه روشن سازد.

همان‌طور که در بالا ذکر شد، هدف پژوهش حاضر بررسی نگرش و ایدئولوژی‌های زبانی خانواده‌های آذربایجانی‌زبان در شهر تبریز است. به همین منظور، در ابتدا توضیحاتی درباره روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها داده می‌شود. سپس در بخش‌های بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از روش تحقیق تلفیقی، شامل روش تحقیق کمی^۲ و کیفی^۳، استفاده می‌کند. روش تحقیق تلفیقی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا علاوه بر پیدا کردن متغیرها، روابط بین آنها را نیز بررسی کند و یافته‌ها را به جامعه آماری تعمیم دهد (پلورایت^۴، ۲۰۱۱؛ کاسترو^۵، کلیسون^۶، بوید^۷، و کوپاک^۸، ۲۰۱۰). به عبارتی دیگر، با ادغام داده‌های «نرم» و «سخت»، محقق از آزادی عمل بیشتری در تحلیل و تفسیر داده‌ها برخوردار می‌شود (نونان^۹، ۱۹۹۲: ۳). بر همین اساس، در این روش از دو ابزار مصاحبه گروهی برای جمع‌آوری داده‌های کیفی و یک پرسش‌نامه نگرش زبانی برای جمع‌آوری داده‌های کمی استفاده شده است. جمع‌آوری داده‌ها در دو مرحله انجام شد. ابتدا با انجام و تحلیل داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه‌های گروهی، عوامل حائز اهمیت در شکل‌گیری نگرش زبانی در خانواده‌های دارای فرزند کمتر از ۱۰ سال در تبریز مشخص شد. سپس در مرحله دوم، چندین گویه برای هر یک از این عوامل به شکل پرسش‌نامه نگرش زبانی طراحی و در بین ۱۵۰ خانواده در تبریز توزیع شد (برای مشاهده پرسش‌نامه مراجعه کنید به رساله دکتری میرواحدی (۲۰۱۴)). ۱۰۷ خانواده پرسش‌نامه را پس از تکمیل آن برگرداندند. این داده‌ها به وسیله SPSS تحلیل شد.

1. K. D. Harrison
2. quantitative method
3. qualitative method
4. D. Plowright
5. F. G. Castro

6. J. Kellison
7. S. J. Boyd
8. A. Kopak
9. D. Nunan

۳-۱- مصاحبه گروهی

مصاحبه گروهی در این مطالعه با شش مادر دارای فرزند زیر ۱۰ سال انجام شد. از آنجا که سؤال اصلی تحقیق، نقش خانواده در حفظ زبان و تأثیرپذیری آن از محیط بیرونی است، سؤالات کلی در همین زمینه برای مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. تحلیل داده‌ها یافته‌های جالبی را نشان داد. به لحاظ کاربرد زبان آذربایجانی در خانه، این مادران به صراحت اعلام کردند که اگرچه بیشتر آنها می‌خواهند در خانه با فرزندان خود به زبان آذربایجانی سخن بگویند، رفتار زبانی آنها در خانه تحت تأثیر شبکه‌های تلویزیونی (به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و شبکه‌هایی که از کشور ترکیه پخش می‌شوند)، و سیستم آموزشی تک‌زبانۀ کشور (که دروس فقط به زبان فارسی ارائه می‌شود)، است. این مسائل به صورت گویه‌های پرسش‌نامه طراحی و سپس بین ۱۵۰ خانواده در تبریز توزیع شد که در زیر به آن می‌پردازیم.

۳-۲- پرسش‌نامه

داده‌های پرسش‌نامه از طریق سؤالات طیف لیکرتی ۷ تایی (۷ گزینه‌ای) جمع‌آوری، و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. سؤالاتی درباره نگرش پدران و مادران آذربایجانی‌زبان نسبت به استفاده از زبان آذربایجانی و فارسی در خانه، سیاست‌گذاری‌های آموزشی مدارس و رسانه‌ها طراحی شد. هفت سؤال (گویه) پرسش‌نامه بر روی نگرش پدران و مادران آذربایجانی‌زبان نسبت به استفاده از زبان آذربایجانی و فارسی در خانه تمرکز داشت. اجرای تحلیل پارامتر^۱ بر روی این سؤالات نشان داد دو پارامتر مشخص وجود دارد. طیفی متشکل از سؤالات ۱۰، ۴۰ و ۴۱ با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۶ نگرش پدران و مادران را نسبت به استفاده از زبان آذربایجانی در خانه نشان می‌دهد. طیف دیگری متشکل از سؤالات ۱، ۱۷، ۲۲ و ۲۳، با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳، نگرش پدران و مادران را نسبت به استفاده از زبان فارسی در خانه نشان می‌دهد.

جدول ۱ میانگین سؤالات مربوط به نگرش پدران و مادران نسبت به استفاده از زبان فارسی در خانه را نشان می‌دهد. با عنایت به اینکه ۳/۵ بر روی طیف لیکرت موافقت/عدم موافقت (۱) نشان‌دهنده موافقت کامل و ۷ نشان‌دهنده عدم موافقت کامل) نقطه میانی است، میانگین ۳/۹۶

حاکمی از آن است که شرکت‌کنندگان در این پژوهش به‌طور نسبی با استفاده از زبان فارسی در خانه مخالفت می‌کنند. این تحلیل همچنین این موضوع را می‌رساند که پدران و مادران آذربایجانی زبان مخالفت شدیدی در برابر استفاده فارسی در خانه از خود نشان نمی‌دهند. به‌نظر می‌رسد فارسی، به‌عنوان زبان رسمی کشور، جای پای در میان خانواده‌های آذربایجانی‌زبان در تبریز برای خود پیدا کرده است.

جدول ۱- میانگین سؤالات نگرش والدین نسبت به کاربرد زبان فارسی در خانه

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱۰۱	۱	۷	۳/۹۶	۱/۴۵

جدول ۲ نگرش پدران و مادران آذربایجانی‌زبان را نسبت به استفاده از زبان آذربایجانی در خانه نشان می‌دهد. میانگین ۳/۱ نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان در این تحقیق نگرش نسبتاً ملایمی را نسبت به استفاده از زبان آذربایجانی در خانه ابراز کرده‌اند. با توجه به نقش زبان آذربایجانی در تبریز، به‌عنوان زبان مادری و محلی رایج، نبود ابراز علاقه شدید به کاربرد زبان آذربایجانی در خانه پدیده‌ای جالب و درخور تأمل است. نتایج آزمون t دوجمله‌ای بین نگرش نسبت به زبان آذربایجانی (با میانگین ۳/۱۱ و انحراف معیار ۱/۴۰) و فارسی (با میانگین ۳/۹۶ و انحراف معیار ۱/۴۵) نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین این دو وجود دارد $(t(100) = 3/20, p = 0/02)$ ، یعنی اینکه نگرش شرکت‌کنندگان در این پژوهش نسبت به استفاده از زبان آذربایجانی در خانه در مقایسه با زبان فارسی قوی‌تر است. با این وجود، می‌توان ادعا کرد نگرش نسبتاً ضعیف به استفاده از زبان مادری و نگرش مثبت به کاربرد زبان فارسی در خانه احتمال دارد در طولانی‌مدت منجر به تغییر تدریجی زبان آذربایجانی شود.

جدول ۲- میانگین سؤالات نگرش والدین نسبت به کاربرد زبان آذربایجانی در خانه

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱۰۷	۱	۷	۳/۱۱	۱/۴۰

۳-۳- نگرش پدران و مادران به سیاست‌گذاری‌های زبانی مدارس

هشت سؤال از ۴۱ سؤال پرسش‌نامه زبانی درباره نگرش شرکت‌کنندگان در تحقیق نسبت به آموزش زبان آذربایجانی در مدارس در تبریز بود. ضریب آلفای کرونباخ برای این سؤالات ۰/۹۹ است که نشان‌دهنده پایایی بالای این سؤالات است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد پدران و مادران آذربایجانی‌زبان نگرشی خنثی (با میانگین ۳/۴۷) نسبت به داشتن زبان آذربایجانی در مدارس دارند، که حاکی از آن است که پاسخ‌دهندگان به این گویه‌ها قادر به تصمیم‌گیری درباره آموزش زبان مادری‌شان در مدارس نیستند.

جدول ۳- نگرش والدین به آموزش زبان آذربایجانی در مدارس

تعداد	کمیته	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
۱۱۰	۱	۷	۳/۴۷	۰/۵۶۵

تحلیل جداگانه این گویه‌ها این مسأله را بیشتر و دقیق‌تر روشن می‌سازد. تحلیل سؤال‌های مربوط به حضور زبان آذربایجانی، به‌عنوان موضوع و کتاب درسی، و حضور آن به‌عنوان زبان تدریس نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان از حضور زبان آذربایجانی به‌عنوان کتاب درسی بیشتر از استفاده از آن به‌عنوان زبان تدریس حمایت می‌کنند. پاسخ به سؤالات ۲ و ۲۳ این موضوع را روشن می‌سازد:

جدول ۴- پاسخ به گویه ۲ (ای کاش مدرسی وجود داشت که زبان آذربایجانی را در آن تدریس می‌کردند).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	خنثی	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۳۹	۲۶	۱۹	۱۰	۴	۵	۴
درصد	۳۶/۴	۲۴/۳	۱۷/۸	۹/۳	۳/۷	۴/۷	۳/۷

جدول ۵- پاسخ به گویه ۲۳ (فرزندم را به مدرسه‌ای می‌فرستادم که در آن زبان آذربایجانی تدریس می‌شود).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	خنثی	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۲۵	۱۱	۱۴	۳۰	۹	۱۱	۶
درصد	۲۳/۶	۱۰/۴	۱۳/۲	۲۸/۳	۸/۵	۱۰/۷	۵/۷

همان‌طور که نتایج فوق نشان می‌دهند، ستون‌های یک، دو، و سه که به ترتیب معادل کاملاً موافق، موافق، و نسبتاً موافق هستند، نمرات بالاتری نسبت به ستون‌های پنجم، ششم، و هفتم کسب کرده‌اند که نشان می‌دهد اکثر پاسخ‌دهندگان با حضور زبان آذربایجانی در مدارس موافق‌اند. با این حال، مقایسه نتایج فوق با یکدیگر نشان می‌دهد که همه موافقان با حضور زبان آذربایجانی در مدارس (۷۸ درصد) بچه‌های خود را به چنین مدرسی نخواهند فرستاد. جدول فوق کاملاً نشان می‌دهد فقط ۴۶ درصد با فرستادن فرزندان خود به مدرسی که در آن زبان آذربایجانی تدریس می‌شود موافق‌اند. همچنین، ۲۸ درصد نقطه میانی را علامت زده‌اند که حاکی از دودلی و ناتوانی در تصمیم‌گیری درباره این موضوع است.

تحلیل سؤال ۱۸ که مسأله کاربرد زبان آذربایجانی، به‌عنوان زبان تدریس در مدارس، را بررسی می‌کند، نشان می‌دهد حدود نیمی از پدران و مادران مایل‌اند زبان آذربایجانی به‌عنوان زبان تدریس در مدارس به‌کار گرفته شود.

جدول ۶- پاسخ به گویه ۱۸ (ای کاش مدرسی وجود داشت که در آن تمامی دروس به زبان آذربایجانی تدریس

می‌شد).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	خنثی	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۲۴	۱۴	۱۶	۱۷	۱۳	۱۶	۶
درصد	۲۲/۶	۱۳/۲	۱۵/۱	۱۶/۰	۱۲/۳	۱۵/۱	۵/۷

جدول فوق نشان می‌دهد ۵۰ درصد شرکت‌کنندگان در تحقیق آرزو دارند مدرسی وجود داشت که در آن تمامی دروس به زبان آذربایجانی تدریس می‌شد. اما بررسی سؤال ۳۳ نشان می‌دهد احتمال تحقق این آرزوی پدران و مادران بسیار پایین است، زیرا که جواب آنها نشان می‌دهد در عمل تمایلی به فرستادن فرزندان خود به چنین مدرسی ندارند. همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد، حدود ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان با فرستادن فرزندان خود به چنین مدرسی مخالفت کرده‌اند.

جدول ۷- پاسخ به گویه ۳۳ (فرزندم را به مدرسه‌ای که در آن تمامی دروس به زبان آذربایجانی تدریس می‌شود، خواهم فرستاد).

پاسخ‌ها	کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	خنثی	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
تعداد پاسخ‌دهندگان	۱۷	۵	۵	۱۲	۱۵	۱۹	۱۵
درصد	۱۶/۰	۴/۷	۴/۷	۱۱/۳	۱۴/۲	۳۶/۸	۱۲/۳

تحلیل سؤالات درباره آموزش زبان آذربایجانی به‌عنوان موضوع درسی و زبان تدریس این موضوع را آشکار می‌کند که شرکت‌کنندگان در این پژوهش از آموزش آن به‌عنوان موضوع درسی بیشتر حمایت می‌کنند. همان‌طور که در مصاحبه گروهی نیز مطرح شد، یک دلیل برای چنین نگرشی می‌تواند نگرانی پدران و مادران از موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان باشد. به‌نظر می‌رسد شرکت‌کنندگان در این مطالعه بر این باورند که آموزش همه دروس به زبان آذربایجانی توانایی زبانی فرزندان آنها را در زبان فارسی پایین می‌آورد و مانع پیشرفت تحصیلی و اقتصادی آنها خواهد شد.

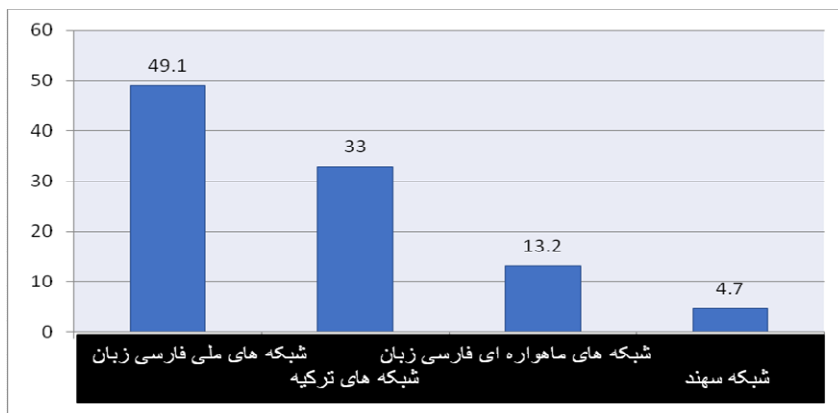
به‌طور خلاصه، تحلیل نگرش پدران و مادران نسبت به تصمیمات آموزشی نشان می‌دهد اکثر آنها از سیاست فعلی، یعنی آموزش دروس به زبان فارسی، حمایت می‌کنند. اگرچه بیشتر پاسخ‌دهندگان به سؤالات تمایل دارند توانایی خواندن و نوشتن به زبان آذربایجانی را در مدارس کسب کنند، به‌نظر می‌رسد علاقه‌ای به آموزش همه دروس به زبان آذربایجانی در نظام آموزشی ندارند.

۳-۴- نگرش پدران و مادران نسبت به شبکه‌های تلویزیونی

برای بررسی نگرش پدران و مادران نسبت به شبکه‌های تلویزیونی شش سؤال در چارچوب مقیاس لیکرت طراحی شد. تحلیل پارامتر، دو پارامتر اصلی، یعنی نگرش نسبت به شبکه استانی آذربایجان (شبکه سهند) و نگرش نسبت به شبکه‌های فارسی‌زبان، را نشان داد. برای افزایش ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۴۲۸ به ۰/۶۷۲ سؤال ۲۸ به‌دلیل همبستگی منفی با سایر سؤالات از تحلیل کنار گذاشته شد. میانگین برای نگرش نسبت به شبکه سهند و شبکه‌های

فارسی‌زبان به ترتیب ۳/۹۷ و ۳/۶۴ محاسبه شد. این نتایج بدین معنی است که پدران و مادران آذربایجانی‌زبان نگرش نسبتاً منفی نسبت به شبکه سهند در مقایسه با شبکه‌های فارسی‌زبان دارند. انجام آزمون t دونمونه‌ای نشان داد که تفاوت بین نگرش شرکت‌کنندگان نسبت به شبکه سهند (با میانگین ۳/۹۷ و انحراف معیار ۱/۵۷) و شبکه‌های فارسی‌زبان (با میانگین ۳/۶۴ و انحراف معیار ۰/۷۹) تفاوت معناداری است، که حاکی از ترجیح کانال‌های فارسی‌زبان به شبکه سهند از سوی پاسخ‌دهندگان است.

نمودار (۱) نیز نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در این مطالعه شبکه سهند را به اندازه سایر شبکه‌ها تماشا نمی‌کنند. ۴۹/۱ درصد خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که اغلب شبکه‌های فارسی‌زبان ایرانی را می‌بینند. شبکه‌های ماهواره‌ای ترکی با ۳۳ درصد در رده دوم و شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای سایر کشورها با ۱۳/۲ درصد در رده سوم قرار گرفته‌اند. شبکه سهند با جذب فقط ۴/۷ درصد از مخاطبان در رده چهارم قرار گرفت. این نتایج نشان می‌دهد اگرچه شبکه استانی سهند، به‌عنوان ابزاری از سوی دولت برای حمایت از زبان آذربایجانی، تأسیس شده است، در عمل عرصه نبرد را به سایر شبکه‌های ملی و ماهواره‌ای واگذار کرده است.



نمودار ۱- میزان مشاهده شبکه‌های مختلف تلویزیونی توسط خانواده‌ها در تبریز

۴- بحث و نتیجه‌گیری

تحقیقات و مطالعات در جوامع چندزبانه این نکته را نشان می‌دهد که تعاملات درون خانواده در خلأ اتفاق نمی‌افتد، بلکه محیط خارج از خانه بر این تعاملات تأثیرمی‌گذارد. گفته می‌شود تصمیمات زبانی خانواده تحت تأثیر فشارهای به‌وجودآمده از سوی نهادها و حوزه‌های خارج از خانه، مانند نظام آموزشی، رسانه‌ها، و نقش فرزندان، است (مک‌کارتی و همکاران، ۲۰۰۹؛ شوهایمی^۱، ۲۰۰۶؛ اسپالسکی، ۲۰۰۹). بر همین اساس، محققان بر این باورند که این تنها خانواده نیست که بر فرزندان تأثیرگذار است. محیط نیز نقش بسزایی در این فرایند ایفا می‌کند. اسپالسکی (۲۰۰۹) برای مثال به این نکته اشاره می‌کند که اگرچه نهاد خانواده، مانند سایر نهادها و حوزه‌ها، سیاست‌گذاری‌های مخصوص خود را دارد، تمامی مشخصه‌های آن تحت کنترل اعضای خانواده نیست. بلکه سیاست‌گذاری‌های خانواده تحت تأثیر جامعه اطراف آن و اعتقادات و باورهای اعضای خانواده نسبت به آن محیط است (اسپالسکی، ۲۰۰۹: ۱۸).

تحلیل نگرش خانواده‌ها نسبت به سیاست‌گذاری‌های زبانی و رسانه، و بررسی تصمیمات زبانی خانواده‌ها در تبریز نکات جالب و قابل تأملی را روشن می‌سازد. اول آنکه پدران و مادران شرکت‌کننده در این پژوهش نگرش ملایمی نسبت به حضور زبان آذربایجانی در نظام آموزشی در تبریز نشان دادند. اگرچه بیشتر شرکت‌کنندگان دوست دارند فرزندانشان توانایی خواندن و نوشتن به زبان مادری خود را کسب کنند، تمایلی به وجود مدرسی که در آن درس به زبان آذربایجانی ارائه شود، ندارند. این موضوع به‌همراه نظام آموزشی تک‌زبان کنونی که موفقیت آموزشی را فقط از طریق یک زبان ممکن می‌سازد، می‌تواند باعث شود تا پدران و مادران، زبان فارسی را در خانه به‌عنوان زبان اول به‌کار گیرند و در طولانی‌مدت جایگزین زبان آذربایجانی کنند.

دوم آنکه بررسی نگرش خانواده‌ها نسبت به شبکه‌های تلویزیونی این نکته را روشن می‌کند که شبکه استانی سهند در جذب مخاطب موفقیتی به‌دست نیاورده است. شبکه‌های فارسی‌زبان ملی و ماهواره‌ای و نیز شبکه‌های ماهواره‌ای به زبان ترکی استانبولی بیشترین بیننده را در میان شرکت‌کنندگان در این پژوهش دارند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تحلیل سیاست‌گذاری‌های زبانی در شکل‌نگرش‌ها و رفتارهای زبانی در خانه نشان داد دوزبانگی^۱ باثبات (بین آذربایجانی و فارسی) در حال از بین رفتن است، بدین معنی که فارسی، به‌عنوان زبان رسمی کشور و زبان غالب نهادهای آموزشی، در حال ورود به نهاد خانواده در تبریز است. همان‌طور که تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و پرسش‌نامه نشان می‌دهد، فارسی، از طریق رسانه و نظام آموزشی، در درون خانواده‌های آذربایجانی‌زبان نفوذ کرده است. به‌عبارتی دیگر، با بازشدن نهاد خانه به روی نهادهای بیرونی، مانند مدرسه و رسانه، خانواده کنترل خود بر تصمیمات زبانی درون خانه را تا حد بسیاری از دست می‌دهد. اگرچه به‌دلیل جمعیت بالای آذربایجانی‌زبان‌ها در ایران و نیز نقش این زبان در تقویت روحیه همبستگی و هویت قومی (بنی‌شیرکا، ۲۰۰۹)، شاید در نگاه اول، دوزبانگی خانواده‌ها اتفاق قابل توجهی به‌نظر نیاید، اما بیم آن می‌رود که فارسی، به‌دلیل فراهم‌آوردن فرصت‌های بهتر شغلی و تحصیلی در طولانی‌مدت جایگزین زبان آذربایجانی در خانواده‌ها شود و شرایط تضعیف و یا از بین رفتن زبان آذربایجانی را در تبریز فراهم آورد.

منابع

- خانلری، پرویز (۱۳۴۸). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر نو.
- نوری، ناصر (۱۳۹۳). «تأثیر عوامل مهاجرت برون‌قومی و ازدواج بین‌قومی در میزان مخاطره یا ایمنی زبان ترکی آذربایجانی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۱۰، ش ۱۹، ۵۴-۳۷.
- Baker, C. (2001). *Foundations of bilingual education and bilingualism (3rd ed.)*. Clevedon: Multilingual matters.
- Baker, C. (2006). "Psycho-sociological analysis in language policy". In T. Ricento (ed.), *An introduction to language policy: Theory and method* (pp. 210-228). New York: Blackwell.
- Bani-Shoraka, H. (2009). "Cross-generational bilingual strategies among Azerbaijanis in Tehran". *International Journal of the Sociology of Language*, 198, 105–127.

1. stable bilingualism

- Batibo, H. M. (2005). *Language decline and death in Africa: Causes, consequences and challenges*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Bradley, D. (2005). "Sanie and language loss in China". *International Journal of the Sociology of Language*, 173, 159-176.
- Calvet, L. (1998). *Language wars and linguistic politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Castro, F. G., J. G. Kellison, D. J. Boyd, & A. Kopak (2010). "A methodology for conducting integrative mixed methods research and data analyses". *Journal of Mixed Methods Research*, 4(4), 342-360.
- Dorian, N. (1980). "Language shift in community and individual: The phenomenon of the laggard semi-speaker". *International Journal of the Sociology of Language*, 25, 85-94.
- Fishman, J. A. (1991). *Reversing language shift: Theoretical and empirical foundations of assistance to threatened languages*. Clevedon, Avon: Multilingual Matters.
- Fishman, J. A. (2001). "From theory to practice (and vice versa): Review, reconsideration and reiteration". In J. A. Fishman (Ed.), *Can threatened languages be saved? Reversing language shift, revisited: A 21st century perspective* (pp. 451-483). Clevedon: Multilingual Matters.
- Grenoble, L. A. (2011). "Language ecology and endangerment". In P. K. Austin & J. Sallabank (Eds.), *The Cambridge handbook of endangered languages* (pp. 27-44). Cambridge: Cambridge University Press.
- Harmon, D., & J. Loh (2010). "The index of linguistic diversity: A new quantitative measure of trends in the status of the world's languages". *Language Documentation and Conservation*, 4, 97-151.
- Harrison, K. D. (2007). *When languages die: The extinction of the world's languages and the erosion of human knowledge*. Oxford: Oxford University Press.

- Hassanpour, A., J. Sheyholislami, & T. Skutnabb-Kangas (2012). "Kurdish: Linguicide, resistance and hope". *International Journal of the Sociology of Language*, 217, 1-18.
- Holmes, J. (2013). *An introduction to sociolinguistics* (4th ed.). Harlow: Pearson.
- King, K. A., L. Fogle, & A. Logan-Terry (2008). "Family language policy". *Language and Linguistic compass*, 2(5), 907-922.
- Krauss, M. (1992). "The world's languages in crisis". *Language*, 68(1), 4-10.
- Letsholo, R. (2009). "Language maintenance or shift? Attitudes of Bakalanga youth towards their mother tongue". *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism*, 12(5), 581-595. doi: 10.1080/13670050802153459
- McCarty, T. L., M. E. Romero-Little, L. Warhol, & O. Zepeda (2009). "Indigenous youth as language policy makers". *Journal of Language, Identity, and Education*, 8(5), 291-306.
- McKay, G. (2007). "Language maintenance, shift - and planning". In G. Leitner & I. G. Malcolm (Eds.), *The habitat of Australia's Aboriginal languages: Past, present, and future* (pp. 101-130). Berlin: Mouton
- Mirvahedi, S. H. (2014). *Language policy, language practices, and language shift in Tabriz*. (PhD), Victoria University of Wellington.
- Moseley, C. (Ed.). (2007). *Encyclopedia of the world's endangered languages*. New York, Oxon: Routledge.
- Nunan, D. (1992). *Research methods in language learning*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pfaff, C. W. (1990). "Turkish in contact with German: Language maintenance and loss among immigrant children in Berlin (West)". *International Journal of Sociology of Language*, 90, 97-129.

- Plowright, D. (2011). *Using mixed methods: Frameworks for an integrated methodology*. Thousand Oaks: CA: Sage.
- Queen, R. M. (2003). "Language ideology and political economy among Turkish-German bilinguals in Germany". In D. B. Joseph, J. Destephano, G. N. Jacobs & I. Lehiste (Eds.), *When languages collide: perspectives on language conflict, language competition, and language coexistence* (pp. 201-221). Ohio: The Ohio State University Press, Columbus.
- Rahman, T. (2003). *Language policy, multilingualism and language vitality in Pakistan*. Paper presented at the Language Development, Language Revitalization and Multilingual Education, Bangkok, Thailand.
- Sallabank, J. (2012). "Diversity and language policy for endangered languages". In B. Spolsky (Ed.), *The Cambridge handbook of language policy* (pp. 100-123). Cambridge: Cambridge University Press.
- Shohamy, E. (2006). *Language Policy: Hidden agendas and new approaches*. London and New York: Routledge.
- Simons, G. F., & Lewis, M. P. (2011). *The world's languages in crisis: A 20-year update*. Paper presented at the 26th Linguistics Symposium: Language Death, Endangerment, Documentation, and Revitalization, University of Wisconsin, Milwaukee.
- Spolsky, B. (2009). *Language management*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Spolsky, B. (2011). "Language and society". In P. K. Austin & J. Sallabank (Eds.), *The Cambridge handbook of endangered languages* (pp. 141-156). Cambridge: Cambridge University Press.
- Wurm, S. A. (Ed.). (2001). *Atlas of the world's languages in danger of disappearing*. Paris: Unesco Publishing.